

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1399/11/01



موضوع: احکام اموات/تکفین میت /تکفین محرم

سید طباطبائی یزدی در مسأله‌ی شماره بیست و سه می‌فرماید: «تکفین المحرم کغیره فلا بأس بتغطية رأسه و وجهه فليس حالهما حال الطيب في حرمة تقريبه إلى الميت المحرم» [1] «اگر میت محرم از دنیا برود نباید خوشبو کننده‌ی را نزدیک او بنمایند؛ ولی در پوشاندن سر و صورت مثل شخص محل است.

شیخ طوسی در کتاب خلاف، می‌فرماید: «إذا مات محرم فعل به جميع ما يفعل بالحلال، الا أنه لا يقرب شيئاً من الكافور، و يغطي رأسه و غير ذلك ... دليلنا: إجماع الفرقة» [2] «محرم اگر از دنیا برود، کارهای دفن و کفن او مثل محلّ انجام شود؛ مگر این که کافور را نزدیک او ننمایند. روایت نبوی را هم نقل می‌کند: «خمروا وجوه موتاكم و لا تشبهوا باليهود» [3] «محققین ما این روایت را به کتب همانند مجموع نووی و مبسوط سرخسی آدرس داده اند؛ در حالی که شیخ طوسی وقتی از ابن عباس نقل کند، مصدر خود کتاب شیخ است؛ بنابراین اجماع و این روایت دلیل این مسأله می‌باشد.

نصوص معتبره عبد الرحمن بن ابي عبد الله

قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمُحْرِمِ يَمُوتُ كَيْفَ يُصْنَعُ بِهِ- قَالَ إِنَّ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ الْحُسَيْنِ مَاتَ بِالْأَبْوَاءِ- مَعَ الْحُسَيْنِ ع وَهُوَ مُحْرِمٌ- وَ مَعَ الْحُسَيْنِ ع عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْعَبَّاسِ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ- وَ صُنِعَ بِهِ كَمَا يُصْنَعُ بِالْمَيِّتِ- وَ غُطِّي وَجْهُهُ وَ لَمْ يُمَسَّ طَبِيبًا- قَالَ وَ ذَلِكَ كَانَ فِي كِتَابِ

عَلِيٍّ ع. [4]

روایت سماعه

قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَمُوتُ- فَقَالَ يُغَسَّلُ وَ يُكَفَّنُ بِالثِّيَابِ كُلِّهَا- وَ يُغَطَّى وَجْهُهُ وَ يُصْنَعُ بِهِ كَمَا يُصْنَعُ بِالْمَجْلِّ- غَيْرَ أَنَّهُ لَا يُمَسُّ الطَّيِّبَ. [5]

روایات این باب اگر در حد تواتر نباشد، در حد استفاضه می‌باشد.

ممکن است سؤال شود که اگر اجتناب از طیب به خاطر احرام باشد، پوشاندن سر هم باید به خاطر احرام باشد.

جواب: ما تابع نص هستیم و تعبد یک التزام برگرفته از یک معرفت بالا است؛ اهل بیت که مصدر شرع و مهبط وحی است وقتی چیزی بگویند، معرفت ایجاد می‌کند، هر کسی که تعبدش ضعیف است، معرفتش ضعیف است.

علاوه بر تعبد، توجیه هم دارد و آن این است که کافور وجهش این بود که خوشبو کند و اصل غسل با آب قراح بود، این حالت خوشبو کننده برای محرم لازم نیست و اصل غسل برای او کافی است؛ اما پوشاندن سر معارض می‌شود با وجوب تکفین و اصل تکفین را ناقص می‌سازد، اگر خوشبو کننده استفاده نشود غسل ناقص نمی‌ماند ولی اگر سر میت پوشانده نشود، کفن پوشاندن ناقص می‌شود.

سیدنا الاستاد در کتاب تنقیح، ج 9، ص 148 می‌فرماید: سید علم الهدی فرموده که برای محرم پوشاندن سر و صورت جایز نیست؛ بعد این مطلب را مستند می‌کند به روایت «ولا تخمروا رأسه» [6] که این روایت در صحیح بخاری هم آمده و سیدنا الاستاد در سند آن اشکال می‌کند؛ اما تحقیق این است که اولاً اگر رأی سید علم الهدی این می‌بود، در کتب فقهی ایشان دیده می‌شد؛ در حالی که طبق تتبع در کتب فقهی ایشان دیده نشده است و فقط سید الحکیم آن را در مستمسک نقل کرده است. ثانیاً سید گاهی روایات مخالف را نقل می‌کند به عنوان مستند فتوای ابنای عامه؛ چون ایشان بر فتوای فقهی مذاهب اشراف داشت. ثالثاً اگر سید رأیش مخالف باشد، شیخ طوسی اجماع فرقه نمی‌گوید در حالی که هر دو شاگرد شیخ مفید بوده است.

فصل في مستحبات الكفن

و هي أمور أحدها العمامة للرجال و يكفي فيها المسمى طولاً و عرضاً و الأولى أن تكون بمقدار يدار على رأسه و يجعل طرفاها تحت حنكه على صدره الأيمن على الأيسر و الأيسر على الأيمن من الصدر. [7]

شرع مقدار عمامه را مشخص نکرده؛ لذا به عرف مراجعه می‌شود و اگر عرف هم مقداری را تعیین نکرده نباشد، به مقداری اکتفا می‌شود که عمامه صدق کند.

علامه حلی در کتاب تذکره، می‌فرماید: «ویستحب العمامة للرجل تثنی علیه محنکا، ویخرج طرفاها من الحنک، ویلقیان علی صدره - ذهب إلیه علماؤنا[8]»؛ مصدر این مطلب این است که گویا علمای امامیه اجماع دارند که عمامه مستحب می‌باشد «لأن المطلوب ستر المیت، والعمامة ساترة[9]»، بعد استدلال نموده به روایتی از امام صادق ع که فرموده: «وإذا عمامته فلا تعممه عمة الأعرابي» وقال: "خذ العمامة من وسطها وانشرها علی رأسه، ثم ردها إلی خلفه واطرح طرفیها علی صدره[10]» این روایت را کلینی در کافی نقل کرده و از امام باقر ع نیز روایتی در این زمینه وجود دارد «أمر النبی صلی الله علیه وآله بالعمامة، وعمم النبی صلی الله علیه وآله، ومات أبو عبیدة الحذاء، فبعث الصادق علیه السلام معنا بدینار وأمرنا أن نشتري به حنوطا وعمامة ففعلنا، وقال: "العمامة سنة[11]».

-
- [1] العروة الوثقی، الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، ج 1، ص 312.
- [2] الخلاف، الشیخ الطوسی، ج 1، ص 697.
- [3] الخلاف، الشیخ الطوسی، ج 1، ص 698.
- [4] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج 2، ص 503، أبواب غسل المیت، باب 13، ح 1، ط آل البیت.
- [5] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج 2، ص 503، أبواب غسل المیت، باب 13، ح 2، ط آل البیت.
- [6] صحیح البخاری، البخاری، ج 2، ص 75.
- [7] العروة الوثقی، الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، ج 1، ص 312.
- [8] تذکرة الفقهاء، العلامة الحلی، ج 2، ص 10.
- [9] تذکرة الفقهاء، العلامة الحلی، ج 2، ص 11.
- [10] تذکرة الفقهاء، العلامة الحلی، ج 2، ص 11.
- [11] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ کلینی، ج 3، ص 144.